

مقدمه مؤلف

تقدیم به

تقدیم به همه اساتید گرامی خودم
کاظم غلامی

- سلام به همه دانش‌آموزان عزیز گروه علوم انسانی، بچه‌هایی که آگاهانه و از سر علاقه رشته‌ای را انتخاب کردند که بیشتر درس‌هایش بر محور انسان، زندگی و سرگذشتش و تفکر و اندیشیدن بنا شده است و حالا در این مرحله تصمیم دارید که برای تکمیل دانشتان و تبدیل آن به مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای وارد دانشگاه شوید. مطمئناً هر موفقیتی نیاز به ابزاری مناسب، کارآمد و به‌روز دارد، ابزاری که متناسب با اتفاقات جدید، شما را در مسیر موفقیت قرار دهد. در رشته شما درس عربی از دروس اصلی و تخصصی به حساب می‌آید و در قبولی شما در دانشگاه هم سهم بسیار مهمی دارد. تسلط به این درس (با توجه به این که متأسفانه خیلی از بچه‌ها در آن ضعف دارند)، می‌تواند شما را چند گام بلند از رقبای پیش‌بیندازد. کتابی که پیش روی شماست و مشغول ورق‌زدن آن هستید، با همین هدف مهم، تألیف، بازنویسی و منتشر شده تا ما هم بتوانیم سهمی در موفقیت شما داشته باشیم و چه لذتی بالاتر از اینکه افتخار داشته باشیم در موفقیت و آرامش نوجوانان کشورمان سهمی باشیم.
- کتاب دارای بخش‌های مختلفی است که امیدوارم با صبر و حوصله و البته دقیق و موشکافانه آن‌ها را بخوانید و یاد بگیرید و حتماً یادداشت‌برداری کنید.
- در درس‌نامه‌های این کتاب، تمام نکات مربوط به هر درس با زبانی روان و البته همراه مثال و تست بیان شده تا شما مفاهیم اصلی درس را یاد بگیرید و با آموزش نکته‌به‌نکته، برای پاسخ‌گویی به سؤالات آماده شوید. بخش اصل مطلب هم شامل سؤالاتی است که با جواب به آن‌ها مطمئن می‌شوید درس‌نامه را فهمیده‌اید یا نه؟
- در پایان، باید از دوستان ارزشمندی یاد کنیم که هرکدام نقش مهمی در تألیف، تولید و نشر این کتاب دارند و با لطف و مهربانی، همراهی گرانقدر برای مؤلفان بودند و دوستانی که در طول همه این سال‌ها باعث بالاتر رفتن کیفیت محتوای علمی، ظاهری و فنی کتاب شده‌اند:
- دکتر کمیل نصری - آقای احمدپور - مهندس سبزمیدانی - سرکار خانم الهه آرانی حصار
- همه اساتید عزیزی که ویراستاری علمی را به عهده داشتند: حسامی - ریحانی - یعقوبی‌زاده - حاج‌مؤمن - پورمهدی
- تمامی عزیزان واحد تألیف و تولید که نظم و پشتکار و همتشان ستودنی است.
- و تشکر می‌کنیم از دانش‌آموز سخت‌کوش، سرکار خانم مبینا محبی که در بی‌غلط‌شدن این کتاب به ما کمک کرد.
- از همگی صمیمانه و بی‌نهایت سپاس‌گزاریم و کماکان مشتاقانه پذیرای نقدها و پیشنهادات جدیدتان هستیم.

این کتاب شامل محتوای تکمیلی است.

توی بعضی از صفحه‌های این کتاب آیکون **شماره** رو می‌بینی. هر کدوم از این آیکون‌های شماره‌دار ممکنه کلید به گنج باشه! فقط کافیه دستورالعمل ساده زیر رو اجرا کنی تا به گنج برسی.

1 QR CODE پشت جلد کتاب رو اسکن کن و وارد پنل اختصاصی کتاب شو.

2 شماره آیکون رو در باکس «جستجوی گد» وارد کن و محتوای تکمیلی رو ببین.

فهرست مطالب

عربی انسانی یازدهم ۱۱

- درس اول: مواعظُ قَیْمَةٌ ... ۷۹
- درس دوم: صِنَاعَةُ التَّلْمِیحِ فی الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ ... ۸۷
- درس سوم: عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ ... ۹۵
- درس چهارم: تَأْثِیرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ ... ۱۰۲
- درس پنجم: الصِّدْقُ ... ۱۱۰
- درس ششم: اِزْحَمُوا ثَلَاثًا ... ۱۱۷
- درس هفتم: لَا تَقْنَطُوا ... ۱۲۶

عربی انسانی دهم ۱۰

- درس اول: ذَاكَ هُوَ اللَّهُ ... ۶
- درس دوم: اِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ ... ۱۷
- درس سوم و چهارم: مَقَرُّ السَّمَكِ - اَلْتَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ ... ۲۷
- درس پنجم: هَذَا خَلَقَ اللَّهُ ... ۴۴
- درس ششم: اَلْمَعَالِمُ الْخَلَابَةُ ... ۵۷
- درس هفتم: صِنَاعَةُ النُّقْطِ ... ۶۳
- درس هشتم: يَا مَنْ فِي الْيَحَارِ عَجَائِبُهُ ... ۷۰

عربی انسانی دوازدهم ۱۲

- درس اول: مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... ۱۳۵
- درس دوم: أَلَوْجُهُ النَّافِعُ وَ أَلَوْجُهُ الْمَضِرُّ ... ۱۴۳
- درس سوم: ثَلَاثُ قِصَصٍ قَصِيرَةٍ ... ۱۵۲
- درس چهارم: نِظَامُ الطَّبِيعَةِ ... ۱۶۰
- درس پنجم: يَا إِلَهِي ... ۱۶۹

درس ۱: مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ (مَعَانِي الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ وَلَا النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ)

حروف مشبّهة بالفعل

قرار است در این درس با مجموعه‌ای از حروف آشنایی کامل‌تری پیدا کنیم که قبلاً آن‌ها را در متن‌های عربی بارها دیده، ولی به سادگی از کنار آن‌ها گذشته بودیم. این حرف‌ها که **حروف مشبّهة بالفعل** نامیده می‌شوند، عبارت‌اند از:

إِنْ - أَنْ - كَأَنَّ - لَكَنَّ - لَيْتَ - لَعَلَّ

کاربرد و ترجمه

۱) إِنْ (همانا، یقیناً، قطعاً و...)

کاربرد: بر کلّ جمله پس از خود تأکید کرده و شک و تردید را نسبت به آن برطرف می‌کند. پس دقت کنید که بر کلّ جمله تأکید دارد نه بر بخشی از آن. در نتیجه هنگام ترجمه باید در ابتدای جمله آورده شود. (يُؤَكِّدُ عَلَى جُمْلَةٍ بَعْدَهُ بِأَجْمَعِهَا)

مثال: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ درست: قطعاً خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

غلط: خداوند پاداش نیکوکاران را قطعاً تباه نمی‌کند.

تذکره: در عبارت‌های غیرقرآنی، ترجمه نشدن «إِنْ» غلط محسوب نمی‌شود.

۲) أَنْ (که)

کاربرد: از معنای آن مشخص است که برای برقراری ارتباط بین دو جمله به کار می‌رود. (يَرْبِطُ الْجُمْلَتَيْنِ)

مثال: «هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ وَالِدَكَ قَدْ رَجَعَ مِنَ السَّفَرِ؟» آیا می‌دانی که مادرت از سفر بازگشته است؟

ترکیبات آن

الف) «لَأَنَّ»: به معنای برای این‌که و زیرا بوده و معمولاً برای بیان دلیل کاری یا پاسخ به سؤالاتی که با لِمَاذا یا لِمَ طرح می‌شود به کار می‌رود.

مثال: لِمَاذَا يبكي الطفل؟ لأنه جائع! (چرا کودک می‌گریزد؟ زیرا او گرسنه است!)

ب) «مَعَ أَنْ»: با این‌که

مثال: «مَا يَتَسَمَّعُ أَنِّي فَشَلْتُ مَرَاتٍ»: ناامید نشدم با این‌که بارها شکست خوردم.

تست: عَيْنُ مَا فِيهِ تَأْكِيدُ:

- ۱) أَلَا تَوَظُنُّ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ؟
- ۲) لَا أَشْعُرُ بِالسَّعَادَةِ مَعَ أَنِّي أَمْلِكُ مَالًا كَثِيرًا!
- ۳) إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَفْرَحُ مِنْ ذَنْبِ يَرْتَكِبُهُ!
- ۴) فَهَمُّتُ أَنْ جَدِّي لَا يَعْرِفَ وَلَدَهُ!

پاسخ ۳) حرف «إِنْ» برای تأکید بر عبارت پس از خود به کار می‌رود: «يَقِينًا مُؤْمِنٌ أَنْ كُنَّاهِيَّ كَمَا مَرَّتْ» می‌شود، شاد نمی‌شود.

تست: عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱) إِنَّ بَعْضَ الْحَيَوَانَاتِ يَمْلِكُ صَوْتًا لَا تَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِهِ! : برخی حیوانات صدایی دارند که قطعاً ما نمی‌توانیم آن را بشنویم!
- ۲) لَا أَصْدُقُ أَنَّ رَبِّي يَطْرُدُ عَبْدَهُ مِنْ بَابِهِ! : باور نمی‌کنم که همانا پروردگارم بنده‌اش را از در خود می‌راند!
- ۳) إِنَّ صَلَاتَكَ تُنْفَذُ مِنْ مُجَالَسَةِ الشَّيْطَانِ! : یقیناً نمازت تو را از همنشینی با شیطان‌هایی می‌بخشد!
- ۴) لَا تَسْبِقْ مَعْلَمَكَ بِالْكَلَامِ مَعَ أَنَّكَ نَعْرَفَهُ: در سخن بر معلم خود پیشی نگیر تا این‌که آن را بدانی!

پاسخ ۳) بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) ترجمه «إِنْ» باید به گونه‌ای باشد که بر کل عبارت بعد از خودش تأکید کند نه بر قسمتی از آن؛ پس کلمه «قطعاً» باید به اول جمله منتقل شود: «قطعاً برخی حیوانات...» / ۲) لفظ «أَنْ» به معنای «که» است و آوردن «همانا» در ترجمه این عبارت زائد است. / ۴) «مَعَ أَنْ» به معنای «با این‌که» است نه «تا این‌که»: «با این‌که آن را می‌دانی».

۳) كَأَنَّ (مانند، شبیه، گویا و...)

کاربرد: ۱) گاهی برای تشبیه به کار می‌رود. (لِلتَّشْبِيهِ)

مثال: «كَأَنَّ الْمُؤْمِنِينَ بُنِيَانٌ مَرْصُوفٌ»: مؤمنان مانند ساختمانی استوارند.

۲) گاهی برای بیان حدس و گمان و تردید می‌آید. (لِلظَّنِّ أَوْ التَّخْمِينِ)

مثال: «كَأَنَّ صَدِيقِي رَسَبَ فِي الْامْتِحَانِ»: گویی (احتمالاً) دوستم در آزمون مردود شده است.

۴) لَكَنَّ (ولی، اما)

کاربرد: گاهی جمله‌اولی که یک گوینده به زبان می‌آورد، مقدمه‌ای است برای جمله‌بعدی؛ یعنی جمله‌اول به تنهایی کامل نبوده و پیام گوینده را نمی‌رساند و جمله‌دوم آن را کامل می‌کند. این دو جمله را با حرف «لَكَنَّ» به هم وصل می‌کنیم؛ یعنی حرف «لَكَنَّ» برای کامل کردن عبارت قبل از خود و رفع ابهام از آن به کار می‌رود. (يَكْمَلُ عِبَارَةَ قَبْلِهِ وَ يُسْتَعْمَلُ لِرَفْعِ الْإِبْهَامِ عَنْهَا)

مثال: «عَفْوْتُ عَنْ كُلِّ مَنْ ظَلَمَنِي وَلَكِنَّ كَلَامَكَ جَرَحَ قَلْبِي!»: از هر کس که به من ستم کرده بود گذشتم، اما سخن تو قلبم را زخمی کرد!

تست: عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ فِي الْعِبَارَاتِ: ۵۴

- ۱) كَأَنَّ الْقَمَرَ طِفْلٌ يَدُورُ حَوْلَ أُمِّهِ. ← جاء لبيان الظن
- ۲) إِنَّ بَرْسُولِي أَحَبُّ فَرِيقٍ عِنْدِي. ← يؤكّد على «أحبّ فريق عندي»
- ۳) إِذْهَبْ وَلَكِنَّكَ سَتَنْدَمُ عَلَى ذَهَابِكَ. ← جاء لرفع الشك
- ۴) مَلَأَسَكَ تَدَلَّ عَلَى أَنَّكَ مِنْ أَصْلِ كُرْدِي. ← يربط الجملتين

پاسخ ۴) حرف «أَنْ» برای برقراری ارتباط بین جملات استفاده می‌شود. بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) «كَأَنَّ» در این عبارت برای تشبیه به کار رفته است. «ماه مانند کودکی است که دور مادرش می‌گردد.» / ۲) «إِنْ» بر تمام عبارت پس از خود تأکید دارد نه بخشی از آن. / ۳) «لَكَنَّ» برای رفع ابهام می‌آید نه رفع شک و تردید. در واقع رفع شک و تردید بر عهده «إِنْ» است.

۵) لَيْتَ (کاش، ای کاش)

کاربرد: غالباً برای بیان آرزوهایی که وقوع آن محال یا بعید است، به کار می‌رود و وقتی با فعل ماضی بیاید، می‌تواند نشانه حسرت در گوینده باشد. (لِلتَّوَسُّعِ الْغَيْرِ الْمُمْكِنِ أَوْ لِمَا لَا نَرْجُو وَقُوعَهُ)

مثال: ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيًّا﴾: و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم. (که چنین آرزویی وقوعش محال است.)

۶) لَعَلَّ (شاید که، امید است که، باشد که...)

کاربرد: کاملاً واضح است که برای بیان امیدواری در انجام کاری به کار می‌رود، البته این امیدواری همراه تردید است. (يُسْتَعْمَلُ لِبَيَانِ الرَّجَاءِ أَوْ التَّرَدُّدِ).

مثال: «اشتريت هذا الكتاب لأختي لعله يُساعدها في الدّرس!»: «این کتاب را برای خواهرم خریدم شاید که در درس‌ها کمکش کند!» (امیدوار است، ولی مطمئن نیست.)

★ **نکته مهم:** دو حرف «لیت» و «لعل» برخلاف بقیۀ حروف مشبّهة بالفعل روی معنای فعلی که پس از آن‌ها بیاید تأثیر می‌گذارند. به این صورت که:

۱ لیت / لعل ... + مضارع ← مضارع التزامی

مثال: ۱ لیتنا نشاهد هذا الطائر قبل مهاجرته! کاش این پرنده را قبل از کوچش ببینیم!

۲ لعل صديقي يسجل هدفين اثنين في المباراة! شاید دوستم در این مسابقه دو گل بزند!

۲ لیت ... + ماضی ← ماضی استمراری یا بعید

مثال: لیت الله اعطاني ولداً صالحاً! کاش خداوند به من فرزندی شایسته می‌داد (داده بود)!

✖ **تذکره:** دقت کنید که «لیت» و «لعل» زمان فعل را تغییر نمی‌دهند، بلکه فقط نوع آن را عوض می‌کنند.

✚ **تست:** عین الخطأ عما أشير إليه بخط:

- ۱) امنت بأن الله لا يضيع أجر المحسنين ← ربط الجملتين
- ۲) اعملوا بما أمر الله لعلكم تفلحون ← تدلّ على «الرجاء» في الفلاح
- ۳) قد أنعمنا الله نعماً كثيرة ولكننا لا نشكره ← تدلّ على «التردد» فيما جاء قبلها
- ۴) يقول الكافر يا ليتني كنت ثراباً ← تدلّ على «التمنى»

پاسخ (۳): «لكن» برای رفع ابهام از جمله قبل از خود به کار می‌رود و مفهوم «تردد» (یعنی شک و تردید) در خود ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «أن» حرفی است که دو جمله را به هم مرتبط می‌کند، پس «ربط الجملتين» صحیح است. ۲ «لعل» مفهوم «رجا» یعنی «امیدواری» را با خود دارد و ۲ هم همین مورد را گفته است. ۴ «لیت» برای بیان آرزوی دست‌نیافتنی یا همان «تمنی» به کار می‌رود.

✚ **تست:** «لیت سگان العالم یتعایشون مع بعضهم تعایشاً سلمياً!»: ۵۵

- ۱) امید است که ساکنان دنیا با یکدیگر زندگی صلح‌آمیزی داشته باشند!
- ۲) کاش ساکنان جهان با همدیگر زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند!
- ۳) شاید که اهل عالم با دیگران به صورت مسالمت‌آمیز زندگی کنند!
- ۴) کاش ساکنان دنیا با دیگران به طور صلح‌آمیز زندگی می‌کردند!

پاسخ (۲): اولاً «لیت» یعنی «کاش»، پس «امید است که» و «شاید که» در ۱ و ۳ نادرست‌اند. ثانیاً «یتعایشون» چون بعد از «لیت» آمده باید به صورت مضارع التزامی ترجمه شود؛ یعنی «زندگی کنند، زندگی ... داشته باشند» درست است، لذا «زندگی می‌کردند» در ۴ هم خطاست. ضمناً «مع بعضهم» معنای «با دیگران» نمی‌دهد.

★ **نکات تکمیلی:** ۱ انواع «ان»: تا حالا چهار حرف را با این شکل

شناخته‌اید که باید بتوانید آن‌ها را از هم تشخیص دهید.

- ✓ در ابتدای جملات اسمیّه می‌آید.
- ✓ هیچ وقت کنار فعل قرار نمی‌گیرد.
- ✓ وسط عبارتها می‌آید و حرف رابط است.
- ✓ هیچ وقت کنار فعل قرار نمی‌گیرد.
- ✓ معنای «اگر» می‌دهد و ابتدای جملات شرطیه می‌آید.
- ✓ دقیقاً کنار فعل می‌نشیند.
- ✓ معنای «که» می‌دهد و وسط عبارتها می‌آید.
- ✓ کنار فعل مضارع می‌نشیند و مضارع التزامی می‌سازد.

✚ **تست:** الآثار القديمة تؤكّد على الإنسان كان يُريد

دائماً يكون له دين! عین الحروف المناسبة لل فراغات: ۵۶

- ۱) إِنْ - أَنْ - أَنْ
- ۲) إِنْ - أَنْ - أَنْ
- ۳) إِنْ - أَنْ - أَنْ
- ۴) إِنْ - إِنْ - إِنْ

پاسخ ۱: جای خالی اول، در ابتدای جمله قرار داشته و بعد از آن اسم آمده، پس باید «إِنْ» را برای آن به کار ببریم. در جای خالی دوم و سوم باید حرف ربط «که» بیاید، ولی چون بعد از دومی اسم آمده، از «أَنْ» استفاده می‌کنیم و در سومی که بعدش فعل آمده از «أَنْ» کمک می‌گیریم. «همانا آثار قدیمی تأکید می‌کند که انسان پیوسته می‌خواسته که دینی داشته باشد.»

۲ سه قلوهای زیر را خوب بشناسید:

- ✓ **لكنّ** ← از حروف مشبّهة بالفعل است و هیچ وقت کنار فعل نمی‌آید.
- ✓ **لكنّ** ← دقیقاً با «لكنّ» هم معناست، ولی با فعل‌ها هم گاهی هم‌نشین می‌شود.
- ✓ **لكنّ** ← از «لَ + كُنْ» تشکیل شده است.

حرف جرّ ضمیر مؤنث‌ها

✚ **تست:** «أنتن تلميذات مؤذبات ولكن احترام كثير عند المعلمات!» عین

الصحيح عما تحته خط:

- ۱) جارّ و مجرور!
- ۲) من الحروف المشبّهة بالفعل!
- ۳) جاء لرفع الإبهام عن جملة قبله!
- ۴) يُرادفه «لكنّ»!

پاسخ ۱: اگر به معنای جمله خوب دقت کنیم: «شما دانش‌آموزان بادی هستید و نزد معلم‌ها احترام زیادی دارید.» مشخص می‌شود که از «لَ + كُنْ» تشکیل شده و جار و مجرور است.

۳ فرق‌های «إِنْ» و «إنّما» را به خوبی یاد بگیریم.

إِنْ	فقط با جملات اسمیّه می‌آید.	معنای قطعاً و یقیناً و ... دارد.	در نقش کلمات بعد از خود تأثیر دارد.
إنّما	با جملات اسمیّه و فعلیّه می‌آید.	معنای فقط و تنها و ... دارد.	در نقش کلمات بی‌تأثیر است.

مثال: ۱ إنّما الناس لأمّ و لأبّ. ← مردم تنها از یک پدر و مادرند.

۲ إنّ الناس لأمّ و لأبّ. ← قطعاً مردم از یک پدر و مادرند.

قاعده: حروف مشبّهة بالفعل همراه جملات اسمیّه به کار می‌روند و دارای اسم و خبر هستند که اسم آن‌ها منصوب است؛ یعنی غالباً یکی از علامت‌های **ـَ، ـِ، ـِین** را می‌گیرد و خبر همان حالت عادی خودش را دارد؛ یعنی مرفوع است.

مثال: ۱ **إِنَّ اللَّهَ** عَلِيمٌ بذات الصدور

اسم إنّ و خبر إنّ
منصوب
بالفتحة

۲ «لیت المسلمین یتحدون امام الظالمین.»

اسم لیت و خبر لیت
منصوب بالياء

★ **نکته:** حروف مشبّهة بالفعل در کنار فعل‌ها و ضمایر منفصل قرار نمی‌گیرند.

مثال: ۱ لیت یتذهب ... درست لیت یتذهب ...

غلط

۲ کائن نحن ... درست کائننا ...

غلط

- ★ نکات تکمیلی: ۱) «لا» ی نفی جنس هم در ابتدای جملات اسمیه به کار می‌رود.
- ۲) اسم بعد از «لا» ی نفی جنس غالباً فتحه (ـَ) می‌گیرد.
- ۳) اسم بعد از «لا» ی نفی جنس باید طبق شرایط زیر به کار برود:
- ◆ نکره باشد.
 - ◆ تنوین نگیرد.
 - ◆ جزء قیدهای مکان و زمان، مانند «عِنْدَ، قَبْلَ، بَعْدَ و ...» نباشد.

تست: عین کلمه مناسبه للفراغ: «لا تقدر على حل هذه المسألة العلمية!»

۱) أستاذك ۲) طالبة ۳) عالم ۴) أستاذة

پاسخ: ۴) وقتی قرار است بعد از «لا» اسمی را به کار ببریم، اولاً آن اسم باید نکره باشد، پس ۱) غلط است، چون «أستاذ» با ضمیر «ك» معرفه شده است. ثانیاً نباید تنوین داشته باشد، پس ۲) هم رد می‌شود. ضمناً با توجه به مؤنث بودن فعل «تقدر» نمی‌توانیم «عالم» را به کار ببریم.

اسم و خبر (لا)

«لا» ی نفی جنس هم مانند حروف مشبهه بالفعل بر سر جمله اسمیه می‌آید و دارای اسم و خبر است؛ اما به این صورت که:

اسم لا - غالباً فتحه (ـَ) می‌گیرد. خبر لا - اگر اسم باشد، مرفوع است.

مثال: لا يلاءُ أصعبُ من الجهل.

اسم لا خبر لا

★ نکته: گاهی خبر «لا» حذف می‌شود؛ مثلاً در برخی اصطلاحات، مانند «لا شك» (بی تردید) یا «لا بأس» (ناچار) و یا در عباراتی که در آن «لا» و «إلا» با هم آمده‌اند، مانند: «لا إله إلا الله».

انواع لا

با توجه به مطالبی که تا حالا یاد گرفتیم، باید بتوانیم نوع «لا» را در جملات مختلف تشخیص بدهیم. خوب است یک بار انواع «لا» را با هم مرور کنیم:

- ناهیه: لا + مضارع مجزوم
- مثال: لا تعبُدوا - لا تقُلْ - لا يسبُّوا - لا تكذبْ
- نپرستید - نگو - نباید دشنام بدهند نباید دروغ بگوئیم
- نافیه: لا + مضارع عادی
- مثال: لا يرحمُ - لا يعلمون - لا تكذبْ
- رحم نمی‌کند - نمی‌دانند - دروغ نمی‌گوئیم
- نفی جنس: لا + اسم مفرد نکره
- مثال: لا خير في جليس السوء - لا إله إلا الله
- در جواب «هَلْ»، «أَمْ»
- به معنای «نه»
- مثال: هَلْ رأيتَ عليّاً؟ لا، ما رأيتهُ
- وسط عبارت

مثال: هذا يومٌ لا بيعُ فيه و لا خُلَّةٌ - أطلبُ ثُفاحه لا برتقالاً

تذکرات: ۱) «لا» ناهیه وقتی با فعل غیرمخاطب باید، معنای «نباید» می‌دهد.

۲) حرف «لا» در ساختار «حرف ناصبه» + لا + مضارع همیشه نافیه است و نباید گول ظاهر فعل را بخوریم.

مثال: أن لا تعبدوا - حتى لا تسبَّ - لكي لا يفرحَ ...

تست: عین الخطأ في تعيين نوع «لا»:

۱) لا تسبوا الذين يدعون من دون الله: ناهیه

۲) النساء المؤمنات لا يتنابزن بالألقاب السيئة: ناهیه

۳) التلميذ المشاغب لا عاقبة له إلا الندامة: النافية للجنس

۴) قررنا ألا نكذب في كلامنا أبداً: ناهیه

۱- این که چه زمانی این اسم‌ها فتحه نمی‌گیرند، به کتاب درسی ما ارتباطی ندارد.

۲- یادآوری: حروف ناصبه عبارت‌اند از: «أَنْ - كَيْ - حَتَّى - لِي - لِكَيْ».

تست: عین الصَّحیح عن الحروف المشبهة بالفعل:

- ۱) ألا تعلم أن المتردِّون في أعمالهم لا يحصلون على غياتهم؟
- ۲) هذا اللاعب الإيراني كأنَّ يُريد أن يخرج من الملعب!
- ۳) إنَّ في الإنسان عالماً أكبر يغفل كثير منَّا من وجوده!
- ۴) إنَّ الله قريبٌ من الإنسان ولكنَّ هو لا يدرك حضوره!
- پاسخ: ۳) در این گزینه «في الإنسان» خبر مقدّم إنّ بوده و «عالماً» اسم آن است و به همین دلیل منصوب شده.
- بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) «المتردِّون» اسم «أَنْ» است، پس باید منصوب باشد: «المتردِّين» / ۲) «كأنَّ» از حروف مشبهه بالفعل است، پس نمی‌تواند مستقیماً کنار فعل بیاید. شکل صحیح این عبارت به این صورت است: «كأنَّه يُريد ...» / ۴) «لكنَّ» نیز از حروف مشبهه بالفعل است و نباید پس از آن از ضمیر منفصل استفاده کنیم، پس باید به صورت «لكنَّه ...» بیاید.

لا ی نفی جنس

- ◆ «هیچ درختی در باغ باقی نمانده است.»
- ◆ «هیچ کاری بالاتر از کمک به محرومان نیست.»
- وقتی این جملات را می‌خوانیم یا می‌شنویم، احساس می‌کنیم که گوینده یا نویسنده با تمام وجودش قصد نفی موضوعی را دارد. وقتی با دقت بیشتر نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که قسمت اصلی این مفهوم به وسیله کلمه «هیچ» در ابتدای جمله ایجاد می‌شود. در زبان عربی برای بیان این مفهوم از حرف «لا» کمک می‌گیرند که به آن «لا ی نفی جنس» می‌گویند:
- ◆ لا شَجَرَةً يَقِثُّ في الحديقة!
- ◆ لا عَمَلٌ أَفْضَلُ من مُسَاعَدَةِ المحرومين!
- پس فرق «لا» ی نفی جنس با «لَيْسَ» این است که «لَيْسَ» معنای ساده «نیست» را می‌رساند، ولی «لا» معنای «هیچ ... نیست» را می‌سازد و نفی شدیدتری را بیان می‌کند.
- ◆ لیس فی قریتنا طیبٌ. - در روستای ما پزشکی نیست.
- ◆ لا طیبٌ فی قریتنا. - هیچ پزشکی در روستای ما نیست.

ساختار

«لا» ی نفی جنس غالباً بر سر یک اسم نکره مفرد به کار می‌رود که آخرش (ـَ) دارد:

لا + اسم نکره مفرد
نفی جنس

مثال: ۱) لا فُقرُ أصعبُ من الجهل! - هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست!

۲) هذا رجلٌ لا كذبٌ في كلامه! - این مردی است که هیچ دروغی در سخنش نیست!

تست: عین عبارة جاء فيها «لا» النافية للجنس:

- ۱) لا يحزنك قولهم إنَّ العزة لله جميعاً
- ۲) أَسَمِعْتُمْ نداء المنادي أم لا؟
- ۳) هل يستوي الذين يعلمون و الذين لا يعلمون؟
- ۴) لا تقدّم في حياتي إلا بالسَّعي!

پاسخ: ۴) در این گزینه «لا» بر سر اسم آمده و معنای «هیچ ... نیست» می‌دهد. دقت کنید که «تقدّم» بر وزن «تفعّل» مصدر است و نباید آن را با فعل اشتباه بگیریم: «هیچ پیشرفتی در زندگی ام نیست، مگر با تلاش.»

بررسی سایر گزینه‌ها: در ۱) و ۳) «لا» بر سر فعل آمده است، پس نمی‌تواند نفی جنس باشد و در ۲) هم «لا» به معنای «نه» بوده و ربطی به نفی جنس ندارد.

۳- کدام حرف برای جای خالی مقابل مناسب نیست؟ صاحب العلم

بیمل به!

- (۱) لیث (۲) لعل
(۳) لکن (۴) لئن

۴- کدام حرف «یکمَل عبارت قبله»؟

- (۱) لئن (۲) لکن (۳) لعل

۵- کدام عبارت امیدی به وقوعش نیست؟

- (۱) لعل المسلمین یُتحدون. (۲) لیث المسلمین یُتحدون.

۶- کدام عبارت صحیح است؟

- (۱) إِنْ اللهُ قَرِيباً مِنَ الْمُحْسِنِينَ.
(۲) إِنْ اللهُ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ.
(۳) إِنْ اللهُ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ.

۷- کدام کلمه مناسب جای خالی است؟ «كَأَنَّ زُمْلايَ من الامتحان.»

- (۱) خائفون (۲) خائفين

۸- شدت نفی کدام عبارت بیشتر است؟

- (۱) لا تكذبوا حتى يعتمد الناس عليكم.
(۲) لا يكذب رجل مؤمن.
(۳) لا كاذب يفلح في الدنيا والآخرة.

۹- کدام «لا» ناهیه نیست؟

- (۱) لا تكتبوا على جدار المدرسة!
(۲) لا تكتب التلميذ على جدار المدرسة!
(۳) ألا تكتب تمارينك في المدرسة؟!

۱۰- کدام مورد برای جای خالی مناسب است؟ «لا يعتمد على الجاهل!»

- (۱) عاقلاً (۲) عاقلاً (۳) العاقل

۱۱- کدام عبارت صحیح است؟

- (۱) لا بلاء أصعب من الجهل!
(۲) كأن الجهل أصعب البلاء!
(۳) إنما أصعب البلاء الجهل!

۱۲- ترجمه آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ» کدام است؟

- (۱) خداوند پاداش نیکوکاران را بی تردید ضایع نمی کند!
(۲) بی شک خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند!

۱۳- ترجمه آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ...» کدام است؟

- (۱) اجباری در دین نیست. (۲) هیچ اجباری در دین نیست.

۱۴- «لَا يَزِعُ أَحَدٌ أَنَّهُ جَرْمٌ صَغِيرٌ.» ترجمه این عبارت کدام است؟

- (۱) هیچ انسانی گمان نمی کند که او جرمی کوچک است.
(۲) کسی نباید گمان کند که او جرم کوچکی است.
(۳) کسی گمان نمی کند که او جرمی کوچک است.

۱۵- کدام عبارت صحیح است؟

- (۱) لا في المدرسة تلميذاً!
(۲) أعلمُ أنك صادقٌ في كلامك!
(۳) لیث أنت ناجحٌ في الامتحان!

پاسخ اصل مطلب

- ۱- گزینه (۲) ۲- گزینه (۲) ۳- گزینه (۳) ۴- گزینه (۲)
۵- گزینه (۲) ۶- گزینه (۳) ۷- گزینه (۱) ۸- گزینه (۳)
۹- گزینه (۳) ۱۰- گزینه (۲) ۱۱- گزینه (۳) ۱۲- گزینه (۲)
۱۳- گزینه (۲) ۱۴- گزینه (۲) ۱۵- گزینه (۲)

پاسخ ۴ «ألا» در واقع «أن + لا» بوده است. «لا» وقتی همراه حرف

ناصبه به کار برود، حتماً نفی است نه نهی. «قرار گذاشتیم که هرگز در سخن خود دروغ نگوئیم.»

بررسی سایر گزینه ها: ۱ «وقتی حرف «ن» از آخر فعل «لاتسبوا» افتاده،

می فهمیم که «لا» از نوع نهی است: «به (معبود) کسانی که غیر از خدا را می خوانند، دشنام ندهید.» ۲ «با توجه به معنا و ساختار عبارت، «لا یتناوبن» می تواند فعل نهی یا نفی باشد. دقت کنید که «یتناوبن» فعل جمع مؤنث است و نون آن هرگز حذف نمی شود: «لا یتناوبن» بالألقاب: «لقب های ... نمی دهند، نباید لقب های ... بدهند.»

۳ «لا» بر سر اسم آمده و معنای «هیچ» می دهد، پس «لا» ی نفی جنس است: «دانش آموز اخلاق هر هیچ سرانجامی جز پشیمانی ندارد!»

نکته: اگر بعد از «لا» ی نفی جنس، فعلی به کار برود، آن فعل هم به صورت منفی ترجمه می شود.

مثال: «لا تلميذ رَسَبَ في هذه الامتحانات.» هیچ دانش آموزی در این امتحانات مردود نشده است.

تذکره: در اصطلاحاتی مانند «لا شك» (بدون شک، بی تردید) و «لا بأس» (اشکالی ندارد)، «لا» از نوع «نفی جنس» است، ولی ترجمه آن به صورت «هیچ» اجباری نیست.

تست: عین الصحیح:

- (۱) كَأَنَّ الدَّالِّينَ تَضَحَكُ وَ تَبْكِي وَ تَصْفَرُ كَالْإِنْسَانِ! دلفین ها همچون انسان می خندند و گریه می کنند و سوت می زنند!
(۲) لا راحةَ لمن لا يقنع بما عنده! کسی که به آن چه دارد قانع نمی شود، آسایشی ندارد!
(۳) لعلَّ المشاهدين لا يحبون أن يروا هذا الفلم الخيالي! شاید بینندگان دوست نداشته باشند که این فیلم خیالی را ببینند!
(۴) إنَّ الذين يرجون لقاء ربهم فليعملوا صالحاً! همانا آنان که امید دیدار پروردگار خود را دارند به نیکی عمل می کنند!

پاسخ ۳ بررسی خطاهای سایر گزینه ها: ۱ «كأن» ترجمه

نشده است، لذا ابتدای جمله باید «گویی، مثل این که ...» آورده شود. دقت کنید که کلمه «همچون» که در ترجمه فارسی دیده می شود معادل حرف «ك» در «كالإنسان» است. ۲ «لا» بر سر اسم آمده، پس «لا» ی نفی جنس است و باید کلمه «هیچ» در ترجمه آورده شود. ۴ «لَيَعْمَلُوا» معنای «باید عمل کنند» می دهد، چون «لام» حرف جازمه است: «پس باید به نیکی عمل کنند.»

اصل مطلب

۱- در کدام گزینه همگی حروف مشبّهة بالفعل هستند؟

- (۱) إِنْ، أَنْ، كَأَنَّ، لَيْث (۲) لعلَّ، أَنْ، لَكِنَّ، كَأَنَّ
(۳) لَيْسَ، أَنْ، لعلَّ، إِنْ (۴) لَيْثَ، إِنْ، لَكِنَّ، أَنْ

۲- کدام کاربرد برای «إِنْ» صحیح نیست؟

- (۱) يرفعُ الشكَّ عن جملة بعده!
(۲) يكملُ معنى العبارة!
(۳) يؤكّد على جملة بعده!

واژه‌نامه

أَفْلَحَ: رستگار شد (أَفْلَحَ، يُفْلَحُ)
أَمَاتَ: میراند (أَمَاتَ، يُمَيِّتُ)
إِنْطَوَى: به هم پیچیده شد (إِنْطَوَى، يُنْطَوِي)
أَبْصَرَ: نگاه کرد (أَبْصَرَ، يُبْصِرُ)
الْبَدَلُ: جانشین «جمع: الأبدال»
بَرَأَ: بی‌گناه شمارد (بَرَأَ، يُبْرِئُ)
الْبَعْثُ: رستاخیز، قیامت
الْبَنِيَانُ: المرصوص: ساختمان استوار

تَعَقَّلُونْ: خردورزی می‌کنید (عَقَلَ، يَعْقِلُ)
الْجَزْمُ: پیکر
الْحَدِيدُ: آهن
حَمْرَاءُ: قرمز، سرخ (مذكر: أحمر)
حَمَلَ: تحمیل کرد (حَمَلَ، يُحْمَلُ)
خَذُوا: بگیرید (أَخَذَ، يَأْخُذُ)
الْخَيْطُ: نخ
الذَّاءُ: بیماری

الزَّيْبُ: شک
زَعَمَ: گمان کرد (زَعَمَ، يَزْعُمُ)
سَجَنُ: زندان
سَوَى: جز
صَلَّ: گمراه شد (صَلَّ، يَصِلُ)
الطَّيْنُ، الطَّيْنَةُ: گل، سرشت
عَصَاةُ: آبمیوه‌گیری
العَصَبُ: پی، عصب «جمع: الأعصاب»
العِظَمُ: استخوان «جمع: العظام»

كونوا: باشید (كان، يكون)
اللَّحْمُ: گوشت «جمع: اللحوم»
ما يَلِي: آن چه می‌آید
مَفْسَدَةٌ: مایه تباهی
مَوْصَلُ: رسانا
النَّحَاسُ: مس
يُسَارِعُونَ: می‌شتابند (سَارَعَ، يُسَارِعُ)

مترادف

دء = مَرَض (بیماری) بُنْيَان = بِنَاء (ساختمان) تَزَعَمَ = تَظَنُّ (می‌پنداری) بَعَثَ = قِيَامَةُ (رستاخیز)
 زَيْب = شَك (تردید) أَبْصَرَ = شَاهَدَ (دید) يُقَاتِلُ = يُحَارِبُ (می‌جنگد)

متضاد

دء (بیماری) ≠ شَفَاء (درمان) صَلَّ (گمراه شد) ≠ إِهْتَدَى (هدایت شد)
 زَيْب (شک) ≠ يَقِين

جمع‌های مکسر

مَوْتَى ← مَيِّت أَعْصَاب ← عَصَب أَجْرَام ← جَرَم مَوْتَى ← مَيِّت
 أَحْيَاء ← حَيَّ عِظَام ← عَظْم نَقَاد ← نَقْد أَحْيَاء ← حَيَّ
 لُحُوم ← لَحْم خَيْطُوط ← خَيْط

متن‌سکویی

جملات متن درس

دَوَاءٌ	ك	فِي	ك	و	مَا تُبْصِرُ	و	دَاءٌ	ك	مِنْ	ك	و	لَا تَشْعُرُ
دارو	تو	در	تو	و	نمی‌بینی	و	درد	تو	از	تو	و	احساس نمی‌کنی
مبتدا	م. الیه	جار و مجرور	فعل و فاعل		مبتدا	م. الیه	جار و مجرور	فعل و فاعل		خبر		فعل و فاعل
		خبر										
ترجمه: داروی تو در توست و [تو] نمی‌بینی و درد از توست و احساس نمی‌کنی.												
ذره‌بین: برای منفی کردن فعل مضارع از حرف «ما» نیز می‌توان استفاده کرد.												
أ	تَزَعَمُ	أَنْ	ك	جَرْمٌ	صَغِيرٌ	و	فِي	ك	إِنْطَوَى	العَالَمُ	الأَكْبَرُ	
آیا	می‌پنداری	که	تو	جرم	کوچک	و	در	تو	به هم پیچیده شد	جهان	بزرگ‌تر	
	فعل و فاعل	اسم أَنْ	خبر أَنْ	صفت	جار و مجرور	فعل	فاعل	صفت				
ترجمه: آیا می‌پنداری که تو جرمی کوچک هستی حال آن‌که در تو جهان بزرگ‌تر به هم پیچیده شده است؟												
ذره‌بین: «انطوى» از ریشه «ط و ي» و بر وزن «انْفَعَلَ» است.												
النَّاسُ	مِنْ	جِهَةً	الْآبَاءِ	أَكْفَاءُ	أَبُو	هُمْ	أَدَمُ	و	الْأُمُّ	حَوَاءُ		
مردم	از	جهت	پدران	هم‌تایان	پدر	آنان	آدم	و	مادر	حواء		
مبتدا	جار و مجرور	م. الیه	خبر	مبتدا	م. الیه	خبر	مبتدا	خبر	مبتدا	خبر		
ترجمه: مردم از نظر اجداد همسان هستند، پدرشان آدم و مادر [شان] حواست.												
ذره‌بین: حرف «و» در انتهای «أبو» نشانه مرفوع بودن «أب» است.												

قَدَرُ	كُلُّ	امریء	ما	[كان] يُحْسِنُ	هـ	و	لِ	الرَّجَالِ	عَلَى	الأفعال	أسماء
ارزش	هر	شخص	چیزی	خوب انجام می دهد	آن	و	برای	مردان	براساس	کارها	نام ها
مبتدا	م. الیه	م. الیه	خبر	فعل و فاعل	مفعول		جار و مجرور	خبر	جار و مجرور		مبتدا

ترجمه ارزش هر شخصی به کاری است که آن را خوب انجام می دهد و انسان ها از روی کارهای [یشان] نام و عنوان دارند.

ذره بین: «كان» در این بیت زائده است و تأثیری در ترجمه عبارت ندارد، پس نباید «كان يُحْسِنُ» را به صورت ماضی استمراری ترجمه کنیم.
 فعل «أَحْسَنَ» یعنی «نیکی کرد» و در این حالت فعل لازم است ولی همین فعل اگر همراه مفعول بیاید، معنای «درست انجام داد» دارد و متعدی به حساب می آید.
 مانند این جا که ضمیر «ه» مفعول آن است.

فَزُ	بِ	عِلْمٍ	و	لَا تَطْلُبُ	بِ	هـ	بَدَلًا	النَّاسِ	مَوْتِي	و	أَهْلُ	الْعِلْمِ	أَحْيَاءُ
به دست بیاور		دانش	و	نخواه	به	آن	جایگزین	مردم	مردگان	و	اهل	دانش	زندگان
فعل و فاعل	جار و مجرور		فعل و فاعل	جار و مجرور	مفعول	مبتدا	خبر		مبتدا		م. الیه	خبر	

ترجمه دانش را به دست بیاور و برای آن جایگزینی طلب نکن که مردم، مرده اند و اهل دانش زنده اند.

ذره بین: «فاز» یعنی «رستگار شد، برنده شد» ولی در این جا «فازَ بِ» به کار رفته است که معنای «به دست آورد» دارد.
 در جمله اسمیه اگر خبر، یک اسم تنها و بدون صفت باشد به صورت مفرد ترجمه می شود؛ برای همین «مَوْتِي» و «أَحْيَاءُ» به صورت مفرد ترجمه شده اند.

أَيُّهَا	الْفَاخِرُ	جَهْلًا	بِ	النَّسَبِ	إِنَّمَا	النَّاسِ	لِ	أُمِّ	و	لِ	أَبِ
ای	افتخارکننده	نادانی	به	اصل و نسب	تنها	مردم	برای	مادر	و	برای	پدر
گروه منادایی	قید	جار و مجرور	مبتدا	جار و مجرور	خبر	جار و مجرور					

ترجمه ای کسی که از روی نادانی، افتخارکننده به اصل و نسب هستی (به اصل و نسب افتخار می کنی)، مردم تنها از یک پدر و یک مادرند.

ذره بین: «إِنَّمَا» به معنای «فقط، تنها» است. این کلمه در محل اعرابی کلمات بعد از خودش هیچ تأثیری ندارد.
 اسم های فاعل را گاهی می توانیم به صورت فعل مضارع ترجمه کنیم. مانند «الْفَاخِرُ» در این عبارت که معنای «افتخار می کنی» هم می دهد.

هَلْ	تَرَى	هُمْ	خُلِقُوا	مِنْ	فِضَّةٍ	أَمْ	حَدِيدٍ	أَمْ	نُحَاسٍ	أَمْ	دَهَبٍ
آیا	می پنداری	آنان	آفریده شده اند	از	نقره	یا	آهن	یا	مس	یا	طلا
	فعل و فاعل	مفعول	فعل مجهول و نایب فاعل	جار و مجرور	معتوف		معتوف		معتوف		معتوف

ترجمه آیا آنان را می پنداری که از نقره یا آهن یا مس یا طلا آفریده شده اند؟

ذره بین: فعل «رأى» به معنای «دید» است اما این فعل گاهی معنای «پنداشت» هم می دهد؛ آن هم زمانی که منظور گوینده «دیدن با چشم» نباشد.

بَلْ	تَرَى	هُمْ	خُلِقُوا	مِنْ	طِينَةٍ	هَلْ	سِوَى	لَحْمٍ	و	عَظْمٍ	و	عَصَبٍ
آیا	می پنداری	آنان	آفریده شده اند	از	گل	آیا	جز	گوشت	و	استخوان	و	عصب
	فعل و فاعل	مفعول	فعل مجهول و نایب فاعل	جار و مجرور	خبر	م. الیه		معتوف		معتوف		معتوف

ترجمه بلکه می بینی آنان را که [همگی] از گلی آفریده شده اند، آیا جز گوشت و استخوان و عصب هستند؟

ذره بین: «سِوَى» را نباید با «سواء» برابر اشتباه بگیریم.
 «سِوَى» در مصرع دوم نقش خبری را دارد که مبتدایش حذف شده و در جمله نیامده است.

إِنَّمَا	الْفَخْرُ	لِ	عَقْلٍ	و	حَيَاءٍ	وَ	عَفَافٍ	و	أَدَبٍ
تنها	افتخار	برای	خرد	و	شرم	و	پاکدامنی	و	ادب
	مبتدا	جار و مجرور	صفت	معتوف			معتوف		معتوف

ترجمه افتخار تنها برای خردی استوار و شرم و پاکدامنی و ادب است.

ذره بین: «إِنَّمَا» به معنای «فقط، تنها» است و در محل اعرابی کلمات بعد از خودش هیچ تأثیری ندارد.

جملات مهم تمارین

كَانَ	إِرضَاء	جَمِيع	النَّاسِ	غَايَةً	لَا تُدْرِكُ
گویی	راضی کردن	همه	مردم	هدف	به دست آورده نمی شود
اسم كَأَنَّ	م. الیه	م. الیه	م. الیه	خبر كَأَنَّ	جمله وصفیه (فعل مجهول)

ترجمه گویی راضی کردن همه مردم هدفی است که به دست آورده نمی شود.

ذره بین: «إِرضاء» بر وزن «إفعال» است، پس باید به صورت متعدی ترجمه شود؛ یعنی «راضی کردن» درست است نه «راضی شدن».

إِنْ	اللَّهُ	كَ	ذُو	فَضْلٍ	عَلَى	النَّاسِ	و	لَكِنْ	أَكْثَرُ	النَّاسِ	لَا يَشْكُرُونَ
همانا	خداوند	قطعاً	صاحب	بخشایش	بر	مردم	و	اما	بیشتر	مردم	سپاسگزاری نمی‌کنند
اسمِ	اسمِ	خبر	م. الیه	جار و مجرور	م. الیه	اسمِ	اسمِ	خبر	م. الیه	خبر	خبر

ترجمه همانا خداوند بر مردم دارای بخشایش است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند.

إِنْ	نَا	جَعَلْنَا	هُ	قُرْآنًا	عَرَبِيًّا	لَعَلَّ	كُم	تَعْقِلُونَ
همانا	ما	قرار دادیم	آن	قرآن	عربی	امید است که	شما	بیندیشید
اسمِ	اسمِ	خبر	مفعول ۱	مفعول ۲	صفت	اسمِ	اسمِ	خبر

ترجمه بی‌گمان ما قرآن را عربی قرار دادیم، امید است که شما بیندیشید.

ذره‌بین: حرف «لَ» وقتی با کلمه‌ای غیر از «ضمیرها» آمده باشد، جنبه تأکیدی دارد و تأثیری در محل اعرابی کلمات ندارد. «ذو» به معنای «صاحب، دارای» اسم دائم الإضافة است؛ یعنی همیشه بعدش مضاف الیه می‌آید. این کلمه گاهی به صورت‌های «ذا» یا «ذی» هم دیده می‌شود. ترجمه دیگر این آیه به این صورت است: «ما آن را یک خواندنی عربی قرار دادیم، امید است که شما بیندیشید.» «إِنَّا» در واقع از «إِنْ + نَا» تشکیل شده است.

هَذَا	يَوْمٌ	التَّبَعِثِ	وَلَكِنْ	كُم	كُنْتُمْ	لَا تَعْلَمُونَ
این	روز	رستاخیز	اما	شما	نمی‌دانستید	
مبتدا	خبر	م. الیه		اسمِ	فعل ناقص + اسمِ	خبر کان
					خبر	خبر

ترجمه این روز رستاخیز است، اما شما نمی‌دانستید.

إِنْ	اللَّهُ	يُحِبُّ	الَّذِينَ	يُقَاتِلُونَ	فِي	سَبِيلِ	هِ	صَفًّا	كَأَنَّ	هُمْ	بُنَيَانٌ	مَرْصُوصٌ
همانا	خداوند	دوست دارد	کسانی که	می‌جنگند	در	راه	او	صف در صف	مانند	آنان	ساختمان	استوار
اسمِ	اسمِ	خبر	مفعول	فعل و فاعل	جار و مجرور	م. الیه	قید حالت	اسمِ	خبر	خبر	صفت	صفت

ترجمه بی‌تردید خداوند کسانی را که در راه او صف در صف می‌جنگند دوست دارد، آنان مانند ساختمانی استوار هستند.

لَا يَحْزُنُّ	كَ	قَوْلِ	هُمْ	إِنَّ	الْعِزَّةَ	رَ	اللَّهُ	جَمِيعًا
نباید ناراحت کند	تو	سخن	آنان	همانا (زیرا)	ارجمندی	برای	خدا	همگی
فعل	مفعول	فاعل	م. الیه	اسمِ	اسمِ	خبر	خبر	قید حالت

ترجمه سخن آنان نباید تو را ناراحت کند زیرا ارجمندی، تماماً از آن خداست.

ذَلِكَ	الْكِتَابِ	لَا	رَيْبَ	فِي	هِ	هُدًى	رَ	الْمُتَّقِينَ
آن	کتاب	هیچ ... نیست	تردید	در	آن	هدایت	برای	پرهیزگاران
مبتدا	وابسته	اسمِ	خبر	جار و مجرور	خبر	خبر	جار و مجرور	جار و مجرور

ترجمه آن کتاب، هیچ تردیدی در آن نیست، هدایتی برای پرهیزگاران است.

النَّحَاسُ	عَنْصُرٌ	فَلْزِيٌّ	كَ	الْحَدِيدِ	مَوْصَلٌ	رَ	الْحَرَارَةِ	و	الْكُهْرِبَاءِ
مس	عنصری	فلزی	مانند	آهن	رسانا	برای	گرما		برق
مبتدا	خبر	صفت	جار و مجرور	خبر	جار و مجرور	جار و مجرور	جار و مجرور	معطوف	معطوف

ترجمه مس عنصری فلزی مانند آهن است و رسانای گرما و برق است.

لَا تَسْبُوا	الَّذِينَ	يَدْعُونَ	مِنْ	دُونِ	اللَّهِ	فَ	يَسْبُوا	اللَّهُ
دشنام ندهید	کسانی که	می‌خوانند	به جای		خدا	زیرا	دشنام دهند	خداوند
فعل و فاعل	مفعول	فعل و فاعل	جار و مجرور	م. الیه	فعل و فاعل	فعل و فاعل	مفعول	مفعول

ترجمه کسانی را که به جای خداوند می‌خوانند دشنام ندهید، زیرا به خداوند دشنام دهند.

ذره‌بین: وقتی بعد از فعل امر یا نهی «فَ+ فعل مضارع» بیاید، حرف «فَ» معنای «زیرا» می‌دهد و فعل مضارع را هم می‌توانیم به صورت التزامی ترجمه کنیم. «لَا تَسْبُوا ... قَيْسُوَا...»: دشنام ندهید... زیرا دشنام دهند.

رَبِّ	نا	و	لا تُحْمَلْ	نا	ما	لا	طاقة	ک	نا	پ	ه
پروردگارا			تحمیل نکن	ما	آن چه	هیچ ... نیست	توان	برای	ما	به	آن
منادا	م. الیه		فعل و فاعل	مفعول ۱	مفعول ۲		اسم لا	خبر لا			جار و مجرور

ترجمه پروردگارا! بر ما آن چه را که هیچ توانی به آن نداریم، تحمیل نکن.

ذره بین: کلمات «رَبِّ» و «إِلَه» وقتی منادا باشند، واجب نیست ضمیری که در آخرشان وجود دارد را ترجمه کنیم.

فعل «لا تُحْمَلْ» از فعل هایی است که دو مفعول دارد.

کُلْ	طعام	لا یَذْکُرْ	اسم	اللّٰه	علی	ه	لا	برکة	فی	ه
هر	غذا	یاد نمی شود	نام	خداوند	بر	آن	هیچ ... نیست	برکت	در	آن
مبتدا	م. الیه	جمله وصفیه (فعل مجهول)	نایب فاعل	م. الیه	جار و مجرور			اسم لا	خبر لا	

ترجمه هر غذایی که نام خداوند بر آن یاد نمی شود، هیچ برکتی در آن نیست.

ذره بین: در این عبارت «کُلْ» مبتدا و جمله «لا برکة فیهِ» خبر است.

لا تُمیتوا	القلوب	بـ	كثرة	الطَّعام	و	الشَّرَابِ	فإنَّ	الْقَلْبَ	يَمُوتُ	كـ	الرُّزْقِ	إذا	كثُرَ	عَلَى	هـ	الماءِ
نَمیرانید	قلبها	با	زیادی	غذا	و	نوشیدنی	زیرا	قلب	می میرد	مانند	کِشت	اگر	زیاد شد	بر	آن	آب
فعل و فاعل	مفعول	جار و مجرور	م. الیه	معطوف	اسم إنّ	خبر إنّ	جار و مجرور	قید	فعل	جار و مجرور	فاعل					

ترجمه دل ها را با زیادی غذا و نوشیدنی نمیرانید، زیرا قلب مانند کشت است، آن گاه که آب بر آن زیاد شود، می میرد.

ذره بین: تفاوت معنایی و ظاهری دو فعل مقابل را به خوبی به خاطر بسپارید: مات (یَموتْ): مُرد (لازم، ثلاثی مجرد)؛ أمات (یُمیتْ): میراند (متعدی، از باب إفعال)

سُبْحَانَ	الذی	أَسْرَى بِـ	عَبْدٍ	هـ	لَيْلًا	مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ	إِلَى	الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى
پاک است	کسی که	حرکت داد	بنده	ش	شبانه	از مسجد الحرام	به	مسجد الاقصی
قید	م. الیه	فعل و فاعل	جار و مجرور	م. الیه	قید	جار و مجرور	صفت	صفت

ترجمه پاک است کسی که بنده خود را شبانه از مسجد الحرام به مسجد الأقصى حرکت داد.

جَادِلْ	هُمْ	بِ	الَّتِي	هِيَ	أَحْسَنُ	إِنَّ	رَبِّ	كَ	أَعْلَمُ	بِ	مَنْ	صَلَّ	عَنْ	سَبِيل	هِ
مباحثه کن	آنان	با	چیزی که	آن	برتر،ترین	همانا	پروردگار	تو	داناتر،ترین	به	کسی که	گمراه شد	درباره	راه	او
فعل و فاعل	مفعول	جار و مجرور	مبتدا	خبر	اسم انْ	م. الیه	خبر انْ	جار و مجرور	فعل و فاعل	جار و مجرور	م. الیه				

ترجمه با [روشی که] که آن بهتر است با آنان گفت و گو کن، زیرا پروردگارت به کسی که از راه او گمراه شده، داناتر است.

ذره بین: بعد از موصول های یک جمله جدید و مستقل شروع می شود برای همین «هی أَحْسَنُ» که بعد از «الَّتِی» آمده یک جمله مستقل است که شامل «مبتدا + خبر» است.

یَقُولُونَ	پِ	أَفَوَاهِ	هَمِ	ما	لَیْسَ	فِی	قُلُوبِ	هَمِ	و	اللَّهُ	أَعْلَمُ	بِ	مَا	یَكْتُمُونَ
می‌گویند	با	دهان‌ها	به‌شان	آن‌چه	نیست	در	دل‌ها	به‌شان	و	خداوند	آگاه‌تر	به	آن‌چه	پنهان‌می‌کنند
فعل و فاعل	جار و مجرور	م. الیه	مفعول	خبر لیست	م. الیه	مبتدا	خبر	جار و مجرور	فعل و فاعل					

ترجمه با دهان هایشان چیزی را می گویند که در دل هایشان نیست و خداوند به آن چه پنهان می کنند آگاه تر است.

ما أَزْیَرُ	نفس	ی	إِنْ	النَّفْسَ	لَأَمَارَةٌ	بِ	السَّوْءِ	إِلَّا	مَا	رَحِمَ	رَبِّ	ی
بی‌گناه نمی‌شمارم	خود	م	همانا	نفس	بسیار امرکننده	به	بدی	مگر این‌که		رحم کرد	پروردگار	من
فعل و فاعل	مفعول	م. الیه	اسم انْ	خبر انْ	جار و مجرور			مستثنی	فعل	فاعل	م. الیه	

ترجمه نفس خود را بی گناه نمی شمارم، به راستی نفس بسیار امرکننده به بدی است مگر این که پروردگارم رحم کند.

ذره بین: «لَ» وقتی به کلماتی غیر از ضمیرها متصل شود، جنبه تأکیدی دارد و در اعراب و نقش کلمات تأثیری ندارد؛ مانند «لَ + أَمَارَةٌ».

بعد از «من» یا «ما» موصولی، غالباً می توان فعل ماضی را به صورت مضارع التزامی ترجمه کرد.

قَدْ أَفْلَحَ	المُؤْمِنُونَ	الَّذِينَ	هُمْ	فِي	صَلَاةٍ	هِمْ	خَاشِعُونَ
رستگار شده اند	مؤمنان	که	آنان	در	نماز	شان	فروتنان
فعل	فاعل		مبتدا	جار و مجرور		م. الیه	خبر

ترجمه قطعاً رستگار شده اند مؤمنانی که در نماز خود فروتن هستند.

ذره بین: بعد از موصول ها، جملات جدید و مستقلی آغاز می شود، برای همین عبارت «هُمْ فی صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» را به صورت یک عبارت جداگانه بررسی می کنیم.

«قد» وقتی همراه فعل ماضی می آید نشان دهنده «یقین داشتن» در انجام آن فعل است، برای همین می توانیم برای ترجمه آن از کلماتی مانند «قطعاً، یقیناً و...» استفاده کنیم.

لا تَدْرِي	لَعَلَّ	يُحَدِّثُ	بَعْدَ	ذَلِكَ	أمرأً
نمی دانی	شاید	ایجاد می کند	پس از	آن	موضوع
فعل و فاعل		فعل و فاعل	قید	م. الیه	مفعول

ترجمه [تو] نمی دانی، شاید پس از آن پیشامدی نو پدید بیاورد.